

بله با نماز به یاران و همazorان. روز دوشنبه بیستم فروردین ماه هستیم سال ۲۵۶۸ کوروشی و سال ۲۰۱۸ ترسای نهم ماه
اپریل. نخست چون همیشه همazorان پژواک بدهند که آیا بانگ و سیما... بله خدای ارداویراز چون همیشه در... بله هستند و
می گویند که هم بانگ و هم سیما خوب هست. امروز برنامه بسیار گرانی را داریم و همانگونه که در بار پیش گفتیم دوستان
در این درنگی که داریم سخن های نخستین را می گویم پخش بکنند در آنجایی که بایسته و شایسته می دانند تا پرتوی سخن
تا جای شدنی گسترده بشود. خودمان نیز این کار را می کنیم. بله بانو آتوسا نوذر، مهرزاد رضازاده، جناب اوشته آراین، نادر
صفاری کیش. نماز به همه یاران و دل بستگان ایرانشهر. ما همه یک خانواده بزرگ هستیم هر یک در جای خود می کوشیم تا
آنجایی که بضاعت داریم در توان داریم به یگانه معشوق دل ایرانشهر برسیم و سماکاری بکنیم. سماکاری یعنی پرستاری
یعنی خدمت کردن. بله پیدا بکنیم. نخست در برگه خودمان دو دیگر در برگه فرزندان زرتشت و در برگه بازیابی و دیگر
برگه ها را خود خدایان انجام بدهند. همazorان انجام بدهند. که ما بتوانیم در اینجا کارمان را پیش ببریم. بله همانگونه که در
واپسین برنامه گفته شد فشاری که بر ایرانشهر وارد می شود و کلا فشاری که بر جهان دارد وارد می شود فشاری هستش
بسیار بالا. ما در شرایطی به سر می بریم یادم می آید که حدود شانزده هفده سال پیش یک سری رشته جستارهایی ما نوشتیم
و این نولیرالیزم این حزب مشروطه را واکاوی کردیم و نشان دادیم که کلا این حزب مشروطه حزب باطلی هستش و کل
پروژه مشروطه حزب باطلی هستش. اون زمان همایون هنوز زنده بود و یک سری تیغ کشان اینترنتی نیز دور او بودند در آنجا
که می تاختند چون همین دنباله هایشان که امروز دور و ور این پسرک رضا پهلوی هستند. صحبت این بود که در آن زمان ما
گفتیم که یک سری فشارهای رستاخیزی هستش پایان هزاره ای هستش که نه تنها بر ایران زمین بر ایرانشهر بلکه بر کل
جهان دارد وارد می شود. جرج بوش آمده بود و از محور شرارت از آسه بدیع، آسه یعنی محور، از آسه بدیعی سخن
می گفت و ایران زمین را در بخش تاریک جهان می نمود. حال ما می دانیم کاملاً برعکس است. او یک دیو بود و دیوها
همه چیز را وارونه می بینند. و شرایطی که در پالستین هستش یا به قول این ها اسرائیل یا به قول صهیونیست های ایرانی
اسرائیل بزرگ، اینها موجودات شگفتی هستند. فشاری که از آن سو می آمد و فشاری که در جهان اسلام هستش آن موقع
القاعده بود و کلا یک سری رویدادهای پایان هزاره ای دارد رخ می دهد که ما در جاماسپ نامه این را داریم و این فشارها
قطع نشدند. پس از آن احمدی نژاد آمد و آن دیسکورس امام زمانشان را آوردند این ها البته بعد از چندی به خود آمدند و از
روی مکتب ایرانشهری نمونه برداری کردند و مکتب ایرانی را ساختند و کوشیدند که امام زمان را به کوروش وصل بکنند و
یک مقدار روحانیت زدایی بکنند از جامعه. یک سری کارهایشان خوب بود. یک سری کارهایشان مسلماً نه. این فشارهای
رستاخیزی امروز با ترامپ مسلماً رشد بیشتری کرده است و با آمدن مردی مانند جان بولتون که یک جهود پیورز و بنیادگرا
هستش مسلماً این فشار بیشتر نیز خواهد شد. پس جای شگفتی نیستش که ما در زیر این فشار دندان قروچه جهان بشری را
تجربه بکنیم. بسیاری خواهند شکست لیک از درون این دهلیز ایرانشهر به تندرستی خواهد گذشت و با سربلندی بیرون
خواهد آمد در این هیچ گونه شک و گمانی نباید باشد به ویژه در زمانی که ما داریم به سر می بریم یک عنصر بسیار
مهم است که همه یاران و همه ایرانشهریان باید به آن دقت بکنند و هرگز از یاد نبرند و آن عنصر ایمان است. ایمان امریست
بسیار مهم و آن چیزی که ایرانشهر را هماره سر پا نگه داشته است ایمان بوده است ایمانی که اهورامزدا و بغان ایرانشهر در
دل ایرانیان کاشته اند. در زمانی که ما می بینیم جهان انباشته شده است از اینفورمیشن انباشته شده است از ازد. ازد واژه
پارسیک هستش به معنی اینفورماتسیون اینفورمیشن از پیشوند اوز و ریشه دا. جهان انباشته است از ازدهای گوناگون و این
انباشتگی و این پری از ازد اصولاً تفکر را مشکل کرده است و مردمان پایه با سلی از ازدها از آگاهی ها روبرو هستند.

آگاهی‌های سطحی آگاهی‌های شناور آگاهی‌های بدون ژرفنا که اصولاً گزینش و تصمیم‌گیری امری که در مکتب ایران‌شهری یک امر پایه‌ای هست، من می‌گزینم پس هستم، این را ما می‌توانیم یکی از اصول زرتشتی بدانیم. این گزینش کمابیش در بسیاری از امور ناممکن شده است. هم از این رو این جهان از جا به در رفته تجدد زده زیر فشار اهرمن قرار گرفته، نیاز به اینفورمیشن بیشتر ندارد بلکه نیاز به ایمان دارد و فقط با سلاح و ابزار ایمان هستش که ما می‌توانیم از پس این دروغ افسارگسیخته که بهش می‌گویند تجدد بریاییم. به ویژه آریاییان به ویژه ایران‌شهریان کسانی که در مکتب ایران‌شهری ایستاده‌اند و برای ایران‌شهر می‌کوشند آن‌ها دو چندان نیاز به ایمان دارند و در شرایطی که ما به سر می‌بریم ایمان از دانش بسیار مهم‌تر است. دانش نخست اینکه در نزد مردمان کم شماری هست. دانش به معنای ایران‌شهریش به معنای اخص کلمه نه پر بودن از اینفورمیشن پر بودن از ازد بلکه دانش به معنای دانستن امر بغانی دانستن بنیادها. این دانش نزد شمار کمی هست پس ما نیاز داریم که فوکوس بکنیم تمرکز بکنیم بر آن چند اندک مردمانی که این دانش را دارند و بقیه باید ایمان داشته باشند. اگر این ایمان به ایران‌شهر به این پیروزی ایمان به بازگشت به مدار تیسپون وجود نداشته باشد مسلماً اهریمن می‌تواند موفقیت‌ها و پیروزی‌هایی را کسب بکند. به ویژه در زمانی که شیعه و اسلام آن قابلیت کاذب ایمانی خود را نیز از دست داده است. اسلام پس از اینکه با تیغ چیره شد و شیعه پس از اینکه با تیغ چیره شد به خاطر این شوک اهریمنی که وارد شد به سپهر بغانی ایران‌شهر به آسمان ایران‌شهر به باور ایران‌شهر به دین بهی مسلماً بخش بزرگی از این ایمان ایران‌شهری فریز شد، منجمد شد و در زیر این شوک قرار گرفت. مانند یک سیلی می‌ماند که می‌آید و خیلی چیزها را با خود می‌برد و یک سری چیزهایی در آن پایین در زیر آب‌ها کونزروه می‌شوند. این ایمان ایران‌شهری نیز در زیر یورش الله که دست گشوده یهوه هستش، این اسلام دست گشوده جهودیت هست در مشرق زمین و ترساگری دست گشوده او در مغرب زمین یعنی دو سوی جهان آریایی که یک زمانی ایران‌شهر و روم بودند از سوی روح خبیث یهوه درنور دیده شد. هر بار به شکلی با یک رونسانس ابراهیمی که انجام دادند. به هر روی با وارد آمدن این شوک به خدایان ایران‌شهری بسیاری از این خدایان خود را بستند آن آتشکده از بیرون رفت در درون دل قرار گرفت و این شیعه اول سنی گری و حدود ۴۰۰ سال هستش شیعه، این یک لایه‌ای شد بر روی این اندرونی بر روی این توتیئه بر روی این محتوای ایران‌شهری و ایرانیان به خدای خودشان باور داشتند به آن خدای پاک به آن خدای عاری از هرگونه بدی باور داشتند خدایی که از نظر ایرانیان از نظر ایرانیان الله دروغ نمی‌گوید ولی در قرآن انواع و اقسام دروغ‌ها را ما از الله می‌بینیم که ادامه یهوه هستش. بنابراین ایرانیان توانستند که آن امری است که ما به آن می‌گوییم هزوارش، هزوارش دینی، از طریق هزوارش آن باور کهن خود را حفظ بکنند. اما این قابلیت و کاربرد کاذب را نیز اسلام و شیعه از دست داده است. بنابراین ما با متلاشی شدن هسته ایمانی ایران‌شهر روبرو هستیم و این یکی از مهم‌ترین رویدادهایست که دارد رخ می‌دهد و ما ذیل مفهوم تغییر جغرافیای وجدانی ایران‌شهر از آن سخن گفته‌ایم در مقالات و گفتارهای پیشین. این تغییر جغرافیای وجدانی ایران‌شهر و شیفت کردن یعنی گردش از ابراهیمیت به آریایی‌گری از آسمان تاریک آبراهام به آسمان روشن زرتشت این یکی از پدیده‌های تاریخی هستش که در نوع خودش بی‌پیشینه است. در این گذار تاریخی بسیار نیاز به تدبیر هست. نیاز به آرامش اندیشه هستش. آن چیزی که ما بهش می‌گوییم توشنامیتی، توشنامیتی ایزد اندیشیدن در آرامش هستش و در خاموشی هستش که به اصطلاح ذن نیز به آن می‌گویند در شرق دور باید با آرامش اندیشید و بی‌گدار به آب نزد. ما با فروپاشی این هسته روبرو هستیم و باید بدیلش ساخته شود باید بدیلش به طور اندامیک و ارگانیک جای خود را باز یابد و بعد مسلماً در رویه که سیاست هستش، اقتصاد هستش و دیگر لایه‌هایی که بر روی آن هسته معنوی قرار می‌گیرند مسلماً تغییرات بایسته نیز رخ خواهد داد. پس به این مسئله یاران ما باید

دقت بسنده بکنند و عینک ایمان را بر چشم خود بگذارند. وقتی می خواهند تجزیه تحلیل بکنند، وقتی می خواهند گزینش بکنند، تصمیم بگیرند، زندگی خود را اداره بکنند و امورات خود را اداره بکنند با سلاح ایمان جلو بروند و در نگاهشان چه به ایرانشهر چه به بیرون از ایرانشهر نیز با عینک ایمان بنگرند. اگر این عینک ایمان وجود نداشته باشد تردیدهایی پدید می آید در دل مردمان به ویژه در جهان اهریمن زده امروز بویژه در جهانی که زیر فشارهای رستاخیزی دارد استخوانش شکسته می شود. خب این می تواند هزینه نبرد با اهریمن را برای آریاییان بیشتر بکند. پس به امر پایان هزارگی دقت شود. ما در پایان هزاره به سر می بریم. در یک جهان اوشیدری به سر می بریم که بهدینی دارد رشد می کند. بغان آریایی دارند باز می گردند. آن ایمان کاذب ابراهیمی دارد فرو می شکند و آن آتشکده ای درون دارد می آید بیرون. در این جابجایی معنوی و وجدانی که دارد صورت می گیرد باید با دقت کار کرد و بزرگترین دقت این هستش که ایمان داشت به ایرانشهر و به باورهای ایرانشهری ایمان داشت به پیروزی ایرانشهر ایمان داشت و از هیچ چیز شک و دودلی به خود راه نداد و این را نیز باید دانست که طرف مقابل دیوها حالا می خواهند روشنفکران باشند میخواهند روحانیت حجازی باشد میخواهند روحانیت نمی دانم بهایی باشد یا هر کدام از این اقمار اهریمن اینها اتفاقا هر دو پای خویش را در کفش شک و گمان کردند. مدام می کوشند تردید به وجود بیاورند. مدام می کوشند با دیس اینفورمیشن یعنی با ازدهای دروغین لایه های ایمانی را در بنوردند و به آن هسته برسند و بگویند اصلا نیازی به ایمان نیست. ما در جهان امروز که خرد را داریم نیاز به ایمان نیستش بیاییم یک جهان گلوبال درست بکنیم و دست به دست هم بدهیم همان برادری و اخوت بهایی که چیزی جز بندگی جهودیت نیست. اینها می کوشند به شیوه های گوناگون شک و گمان به وجود بیاورند. ایمان را دموده بکنند. ایمان را از زندگی مردمان دور بکنند. ایران را ضعیف نشان بدهند. ناتوان نشان بدهند. نهادهای ایرانشهری را که امروز مهم ترینش سپاه پاسداران و ارتش هستند اینها را ناتوان نشان بدهند و بگویند اینها مسلمان هستند. اینها می خواهند پدر شما را در بیاورند در صورتی که کاملاً برعکس هستش سپاه پاسداران و ارتش دست گشوده اهورامزدا هستند در جهان امروز و همان نیزه مرد پارسی هستش که به دوردست ها رفته است. این پیشگفتار را در مورد ایمان داشته باشیم و بر روی آن تأمل بکنیم. بخش دوم ما باز هم گوشه دیگری از پیشگفتار هستش بگوییم خلاصه بگوییم که امروز درباره چه چیزهایی سخن خواهیم گفت هم اینکه درباره این کودتای ارزی که دارد رخ میدهد و آن را در برنامه پیشین نیز ذکر کرده بودیم و در مقاله های گوناگون به آن خواهیم پرداخت و در حقیقت هدیه ای که دولت گرین کارتی روحانی به دستور خامنه ای دارد به جان بولتون می دهد امروز روز اول کاری جان بولتون است. و مسلماً این داستانی که در دوما به وجود آوردند با این تازش کیمیایی یا حمله شیمیایی. بعد در بحث اصلی برنامه می رویم سر مسئله کودتای ایرانشهری کودتای آریایی و اینکه رضا شاه آینده کیست و در بخش پایانی نیز به یک امر بسیار مهم می پردازیم که مسئله رسمی کردن دین زرتشت هستش در کنار شیعه که ما در این دوران گذاری در پیشگفتار به آن اشاره کردیم نیاز به رسمی کردن دین زرتشت داریم تا بعد در فرایندهای بعدی دیگر آن تفاله های اسلام نیز کنار گذاشته شود. اما برای دوران گذار بویژه با مردانی که در سپاه و ارتش هستند ما نیاز به یک موازی سازی داریم نیاز به یک ریل دوگانه داریم ریل دوم داریم که بتوانیم قدرت مانور بیشتری داشته باشیم برای رفتن به آینده صددرصد ایرانشهری. باری. جرعه ای از این می سپید که آب آنآهیتی هستش بنوشیم و برنامه را آغاز بکنیم. بله امروز ما در حالی با کودتای ارزی دولت گرین کارتی منسوب خامنه ای روبرو می شویم که می دانیم مسئله برجای کردن ایران یک پروژه دراز مدت بوده است. یک پروژه ژرف و چندین بعدی بوده است و فقط به مسئله خلع سلاح هسته ایران و دیوار پدافندی را فرود آوردن نیست. پروژه مهم دیگری که اینها دارند مسلماً پروژه برجام موشکی

هستش و به هر طریقی می کوشند که سپاه را از اقتصاد و سیاست برون برانند و به شیوه های گوناگون، شیوه های تبلیغاتی گوناگون سپاه را دموئیزه کردن، سپاه را پاسخگوی مشکلاتی که فراماسونی یعنی دولت گرین کاریها و روشنفکران و مافیای حجازی روحانیت پدید آورده اند، یگانه نهاد اهورایی ایران زمین را که سپاه و ارتش باشند، این ها را مسئول این امور دانستن و در چشم ایرانیان این ها را بده کردن. و یکی از اقدامات مهمی که انجام شد همان حکم حکومتی خامنه ای بود مبنی بر اینکه سپاه باید از اقتصاد بیرون برود که با تودهنی سپاهیان روبرو شد و در حقیقت ما با فروپاشی نهاد ولایت فقیه روبرو شدیم. امروز ما در پیرامونی به سر می بریم که سپاه خود را بسته است و این همان چیزیست که ما سالهاست داریم می گویم که سپاه باید خود را هم نسبت به روحانیت در هر دو بعدش هم روحانیت اصول گرا و هم روحانیت اصلاح طلب و هم نسبت به روشنفکری یا به اصطلاح سپاه بزرگ نتولیرال ها ببندد. سپاه یک نهاد اهوراییست. سپاه یک نهاد تاریخیست. دارای قدمت هزاره ایست و تأسیس آن در سال فتنه ۱۳۵۷ رخ نداده است بلکه تأسیس آن در آسمان رخ داده است. سپاه ادامه ایزد خشره وئیریه هستش سپاه کاوه آهنگر یعنی ایزد فلز هستش، تجسم ایزد فلز هستش بر روی زمین. پس سپاه یک نهاد آسمانی هستش که تجسم زمینی پیدا کرده است. همانگونه که پادشاهی یک نهاد آسمانی هستش که تجسم زمینی پیدا کرده است. بویژه پس از فتنه خمینی که، فتنه مشترک خمینی و فرح، این را هرگز نباید فراموش کرد، که این ها توانستند با بهره برداری از روح خبیث انقلاب فرانسه تاج را از سر ایرانشهر بردارند، این بار امانت بر روی دوش نهادهای ارتشی و سپاهیان هستش چون ما می دانیم که پادشاهی از پیشه دوم هستش که می آید بیرون جامعه ایرانشهری جامعه ای هستش استوار بر پیشه ها. پیشه نخست که موبدان و کارگزاران دینی هستند پیشه دوم خشره ها و سپاهیان هستند که پادشاه همواره از پیشه دوم برمی خیزد. پیشه سوم واستریوشان هستند که پزشکان و کشاورزان و دبیران از جرگه پیشه سوم اند و پیشه چهارم پیشه بازرگانان و هوتخشان هستند که صنعتگران و فنی کاران می باشند. امروز نهاد سپاه پاسداران در جایگاهی که پادشاهی را توانستند بزنند این بار گران تاج ایرانشهر را تاج اهورایی ایرانشهر را تاج کیخسرو، تاج جم، تاج گشتاسپ، تاج کوروش و داریوش بزرگ را دارد درون خود حمل می کند. این یک امانت بسیار بسیار مهم هستش. هم از این رو بر تمامی آریاییان هستش که شبانه روز از این مرد تنهای شب تاریخ سپاه پاسداران پاسداری بکنند و بزرگترین پاسداران سپاه پاسداران کسانی نیستند جز ایرانشهریان و بهدینان. در این شرایط این ها می کوشند که به انواع گوناگون سپاه را متزلزل بکنند. در دل سپاه شک و گمان بوجود بیاورند. سپاه را مقصر بدانند. شما چه در رسانه های داخل ایران نگاه بکنید چه در رسانه ها خارج از ایران این ها همگی اونیزونو، همبانگ با یکدیگر صحبت از این می کنند که سپاه پاسداران باید مسئولیت اقتصادی نداشته باشد دست در اقتصاد نبرد و حکمش را نیز که خامنه ای داد و حکم خامنه ای را می دانیم ترامپ تبدیل کرد به لایحه. این بازی هایی که امروز ما می بینیم در بازار ارز رخ می دهد اینها همه بخشی از این سناریوی بزرگ هستش برای بیرون راندن سپاه از جامعه یعنی در حقیقت نه تنها از بخش اقتصادی جامعه بلکه از کل جامعه. اینها سپاه را می خواهند به زبال دانی تاریخ بفرستند سپاه را می خواهند ملغی بکنند می خواهند باطلش بکنند سپاه را می خواهند متلاشی بکنند. رفسنجانی در یکی از سخنرانی هایش صریحا گفت ما باید راه ژاپن و راه آلمان را برویم نیازی ندارد که خرج ارتشی داشته باشیم باید کشور را بسازیم در حقیقت خب این یک شعار فراماسونی هستش دیگر. در حقیقت نیروی دفاعی را کاملا رها کردن و خود را پیشاپیش مفتوح و گشوده شده مغرب زمین انگاشتن و تمامیت این روشن فکری نیز القای این تفکر هست که مرد مشرقی و مرد ایرانشهری بزرگ ترین نماینده مرد مشرقی هستش، مرد مشرقی راهی ندارد جز اندیشیدن و زندگی کردن و گفتن در چهارچوب و کتگوری فکری مرد مغربی. در حقیقت ایرانشهر را از آن زمان پادشاه ما بینیم مثلا کسانی چون فرح یا همان

انجمن سلطنتی فلسفه که یک مردی در آن می‌اندیشید نامش... نه داریوش شایگان آن استاد داریوش شایگان دفعه پیش از او سخن گفتیم حالا نامش یادمان می‌آید. فردید. بله فردید. اینها می‌گفتند که سقف ایران کف غرب است یعنی اصولا ایران زمین را بخشی... مانند یک چه می‌توان گفت؟ مانند یک آپاندیس می‌دانستند که باید ساقط بشود. این نگاه دائم در گوش مرد شرقی خوانده شده است و نهاد روشنفکری ستون پنجم مغرب زمین هستش برای همگانی کردن این اندیشه برای اینکه ایرانی و ایرانشهری پیش از اینکه اصولا وارد یک فضای کاری بشود، فضای درسی بشود یا هر چیزی دیگری، خود را باخته و شکست خورده بینگارد و هیچ راهی در برابر خویش نبیند. هیچ گونه راهی به سوی موفقیت و پیروزی را میسر نداند، مگر گام نهادن در راه آتن و روم مگر ماساچوستی شدن یا آن چیزی که ما ذیل بیگ مک خواری فرهنگی از آن یاد می‌کنیم. بنابراین تخلیه تمدنی. بنابراین تواریت تمدنی. اینها ایده‌های دموکراتیک هستش. یعنی مرد دموکرات مرد تخلیه شده تمدنی هستش. وقتی ایرانی از دموکراسی صحبت می‌کند از چیزی صحبت می‌کند که دیگر ایرانی نیست. یک ایرانی دموکرات بنابر تعریف دیگر نمی‌تواند ایرانی باشد. این را نیز در اینجا بیفزاییم که ما وقتی می‌گوییم مرد در مفهوم کهن آن می‌گوییم. مرد در پهلوی یا در پارسیک به مفهوم انسان هستش نه لزوماً نر یا ماده. سوء تفاهمی پدید نیاید. ما و کابولار و ادبیات خودمان را داریم که کسانی که دنبال می‌کنند آشنا هستند. در هر صورت این فضا را رفسنجانی می‌کوشد که در آن سخنرانش تاوین بکند و بیان جدیدی به آن بدهد و راه را باز بکند برای خلع سلاح کلی ایران. یعنی سپاهی زدایی از ایران. یعنی کاری را که خامنه‌ای انجام داد با خلع سلاح هسته‌ای، رفسنجانی ته راه را نشان داد و ابراز امیدواری کرد که روحانی در دولت دومش این مهم را به سرانجام برساند این مهم چیست؟ این مهم متلاشی کردن سپاه هستش و در حقیقت اسقاط آن چیزی که ما ذیل اسقاط سپاه پاسداران از آن یاد می‌کنیم. تمامی این اتفاقاتی که دارد رخ می‌دهد معطوف هستند به این هدف. آماجشان بیرون کردن سپاه از کل جامعه و از هستی ساقط کردن سپاه پاسداران هستش. یعنی این یک کودتای گام به گام می‌باشد. این را باید در نظر گرفت. مسئله دیگری که در این پیشگفتار می‌خواهیم بدان پردازیم این بازی یکی دو روز گذشته هستش که در حقیقت آن را ما می‌توانیم یک شکلاتی یک شاخه گل رزی از سوی صهیونیسم شیعی داخل ایران بدانیم به جان بولتون. چون جان بولتون آماده است برای واق واق کردن برای سر و صدا راه انداختن علیه سپاه و این به اصطلاح مافیای اقتصادی داخل آمده است و برای اولین روز کاری این، چون این چیزها هیچ یک اتفاقی نیست یعنی شب بخوابند صبح بلند شوند پانزده درصد شانزده درصد ارز ملی کاهش پیدا بکند، یکهو در همه جا دلار ناپدید شود اینها بچه بازی نیست اینها حساب شده است. همزمان در دوما در سوریه در حالی که سپاهیان ایران و اسد در آستانه یک پیروزی بزرگ تاریخی هستند این بمب شیمیایی را در کردن، اینها همه معنی دار هستند همه اجزای گوناگون و پاره‌های گوناگون یک پازل می‌باشند که بخشی از آن هدیه‌ای هستش به جان بولتون و برای او هبیتی را پدید آوردن که او بتواند در بوق و کورنا بکند که بله من هنوز نیامده ارز ملی ایران فروشکست و ما مثلاً اگر شما حساب بکنید می‌توانید به یک زیان شاید صد میلیاردی در همین یکی دو روز که این ارز انقدر ارج خود را از دست داد برای کل اقتصاد ایران می‌توان یک زیان صد تا دو صد میلیاردی را شمرد و محاسبه کرد. می‌گویند این آمدن من اقتصاد ملی ایرانیان را فروش شکست از آن سو آمدن من انقدر هراس در دل اینها افکند که مجبور شدند از سلاحهای شیمیایی استفاده بکنند و از همین به اصطلاح این پروپاگاندای بانگ این تبل خالی پروپاگاندای غرب را برای او باد بکنند. یک بادی در بادبانش بیاندازند. وقتی ما می‌گوییم صهیونیسم شیعه ذیلی از صهیونیسم جهانی هستش یهوده نیست. اینها دست در دست یکدیگر دارند و اگر نیز گاهی دعوی دارند دعوی درون ابراهیمی و دعوی درون صهیونیستی هستش به ما و منافع تمدنی ما هیچ رفت و بستی ندارد. این کاری را که

این‌ها در سوریه انجام دادند این را نیز باید ذکر بکنیم بارهای پیش کرده‌اند. آن چیزی که از دو جنبه ما می‌خواهیم این را و ابرسیم. یکی فروپاشی اخلاقی جهان دموکراتیک هستش. وقتی این‌ها می‌روند پای یک همچین بازی‌های نخ‌زده‌ای یعنی اگر برای بار اول این کار را بکنند خب مردم می‌توانند این گول را بخورند اما وقتی این امر مدام تکرار بشود دیگر مسلماً هیچ‌گونه بردی ندارد و تنها کاربردی که دارد بی‌آبروتر کردن بیشتر کسان هستش و اینکه خب اینها واقعا کفگیرشان ته دیگ خورده است این انباشان خالی می‌باشد. این فروپاشی را باید به فال نیک گرفت. از سوی دیگر یک درس اخلاقی نیز هستش برای نوجوانان ما برای جوانان ما برای کسانی که تازه می‌خواهند وارد وادی تفکر بشوند وادی تجزیه تحلیل بشوند جهان را بشناسند، ببینند روشنفکری ایرانی که زیر علم دموکراسی سینه می‌زند و مدام غرب را معبود می‌شمارد، غرب را عبادتگاه تفکری خویش قرار می‌دهد و ایرانیان را و مشرقیان را فرا می‌خواند برای هرچه بیشتر غربی شدن به قول آن سید فراماسون تقی‌زاده از فرق سر تا نوک پا ایرانیان باید غربی بشوند، این روشنفکری ببینید از چه کسانی و از چه اهریمنانی و از چه دیوهای پشتیبانی می‌کند که حتی به بچه‌های خردسال نیز رحم نمی‌کنند و از سوی دیگر نمایی نیز هست از پوسیدگی معنوی رسانه‌های جهان آزاد از شرافت و اخلاق که این فساد را و این رسوایی را به عنوان حقیقت رنگش می‌کنند و می‌کوشند که به خورد مردمان دهند. از مکرون شما بگیرید تا ترامپ که یک توییت بسیار بسیار زشت و همزمان شایسته یک مرد دموکرات را از خود برون تراویده است، همه می‌بینیم که یک صدا هستند و می‌کوشند که این رسوایی را از آن استفاده بکنند. رسوایی که خود به بار آوردند. باید یادآور بشویم که ترامپ توییت زده است و گفته است که شمار زیادی مردمان، زنان و کودکان کشته شده و ارتش آن منطقه را گردپیچ کرده است، محاصره کرده است و این گناه پوتین هست، گناه روسیه است و گناه ایران هستش که از جانوری مانند اسد پشتیبانی می‌کنند و بهایش را خواهند پرداخت. نخست اینکه یک تهدید کرده است هم ایران را هم روسیه را و با ادبیات دموکراتیک خود که رئیس یک کشور را که دارد مقاومت می‌کند در برابر این دیوها، جانور و حیوان خطاب می‌کند. خب این‌ها نماینده‌های دموکراسی هستند. شما وقتی می‌خواهید دموکراسی را بشناسید این‌ها را باید بشناسید و وقتی این‌ها را بشناسید مسلماً خیلی بهتر می‌توانید دروغگوهای پدرسوخته‌ای مانند پریکلس که این رسوایی را و این جهان دموکراتیک را بنیانگذاری کردند بشناسید. مردانی چون ایسوکراتس و دیگران که در برنامه‌های گذشته به آن‌ها پرداخته‌ایم و مسلماً نمایندگان ایرانیان را از زمان مشروطه بگیرید بیاید تا اینجا پدرسوخته‌تر از این مشروطه‌چیان و ادامه‌شان کمتر بتوان در تاریخ معاصر ایران زمین یافت. این جهان در هم برهم و زشت کردار، زشت گویش و زشت منش دموکراتیک یک همچین دستاوردها و فرآورده‌هایی دارد. این‌ها همه لایه‌های گوناگون سناریوی اسقاط سپاه پاسداران هستند. سقط کردن سپاه پاسداران. او را از درون هستی به بیرون پرتاب کردن. پس باید میان کودتای ارزی دولت گرین کارتی و منصوب خامنه‌ای در داخل و با این فتنه شیمیایی که در دوما انجام داده‌اند، میان این‌ها رابطه‌ای هست. هم نیز رابطه‌ای هستش میان این دو و حمله‌ای را که سپاه اهریمنی اسرائیل کرده است به یک پایگاهی در حمص و در همینجا نیز اشم وهویی بخوانیم برای روان درگذشتگان این تازش. چندین افسر و سپاهی ایرانی شهری نیز در آنجا جان خویش را دادند و گیان‌اسپار شدند، جانگواه شدند و به بهشت به گروثمان رفته‌اند. اشم وهویی باید خواند برای این کسان و یادآوری کرد که این‌ها ادامه همان جانگواهان، ادامه همان گیان‌اسپارانی هستند که در زمان انوشیروان نیز ما در اینجا در این حمص جنگ‌ها و نبردهای بزرگی داشته‌ایم و این‌ها ادامه آنها هستند. حضور ما در این منطقه حضور تاریخی و حضور تمدنی می‌باشد. یاد تمامی گیان‌اسپاران ایرانی شهری چه امروز و چه دیروز همیشه گرامی هست و روانشان نزد بغان ایرانی شهری. یک جمع‌بندی بکنیم. میان فتنه ارزی و میان آنچه که در سوریه دارد رخ می‌دهد

رابطه تنگاتنگی وجود دارد. و ما داریم وارد یک فاز بسیار مهمی به ویژه با نزدیک شدن به زمان خروج ترامپ از برجام وارد یک فاز بسیار مهمی از کودتای ضد سپاهی و مشترک میان خامنه‌ای و روحانی می‌شویم. این‌ها هر یک نقشی را بازی می‌کنند. اینها هر یک مأموریتی را دارند و ما امروز دو جبهه داریم در ایران. سپاه و دیگران. سپاه در برابر تمامی شیاطین قرار گرفته است. تمامی نحله‌های روشنفکری از نئولیبرالیست‌ها بگیرد تا کمونیست‌ها از توده‌ای‌ها بگیرد تا میانه‌روهای مذهبی از مصدقی بگیرد تا داریوش همایونی از داریوش همایونی بگیرد تا رضا پهلوی چی تمامی این‌ها در یک جبهه قرار دارند، سپاه پاسداران در یک جبهه. از خامنه‌ای بگیرد تا خاتمی از علم الهدی بگیرد تا روحانی تمامی این‌ها در یک جبهه قرار دارند و سپاه در یک جبهه. از پوتین بگیرد تا ترامپ از جین شین پینگ بگیرد تا نتانیاهو تمامی این‌ها در یک سو قرار دارند و سپاه در یک سو. این درک تنهایی هستی شناختی سپاه پاسداران یک امر حیاتیست. تا زمانی که این درست درک نشود بقای سپاه پاسداران هماره دچار مخاطره‌های بزرگ خواهد بود. باید درک شود که از پکن تا واشنگتن و از مسکو تا برلین و لندن و از تهران تا ریاض و قدس یا آن اورشلیم که ما به آن می‌گوییم درخت گنگ همه در یک جبهه‌اند سپاه پاسداران در یک جبهه دیگر. و این مرز میان اهورامزدا و دیگران هستش. اینی که در آینده چین یا روسیه می‌توانند موضع‌گیری‌هایی بکنند که به سود ما باشد آن به جای خود این‌ها به اصطلاح بخش‌های تاکتیکی هستش. اما استراتژی باید... استراتژی یعنی تنهایی یعنی درک تنهایی هستی شناختی و تاریخی سپاه پاسداران که یک تنهایی مشترک با خود ایرانشهر هستش، این در حقیقت پدیدارشناسی تنهایی هستش. پدیدارشناسی تنها ایستادن و بر پای خویشتن ایستادن در جهان. این را باید استراتژی فکری خود قرار داد. تا زمانی که این درک نشود مسلماً شناخت دشمن نیز مشکل می‌شود و کسانی می‌توانند دچار این اشتباه فکری شوند که این یا آن می‌تواند دوست باشد. خیر. ما دوستی جز ایزدان دوستی جز اوستا و دوستی جز سنت پادشاهی ایرانشهری نداریم. این‌ها دوستان ما هستند. دوست دیگری وجود ندارد. سپاه پاسداران و کسانی که در ارتش و سپاه هستند و اتاق‌های فکری آریایی این را باید درک بکنند و این درک را هر روز تزریق بکنند در بدنه ارتش در بدنه سپاه. این مسئله بسیار بسیار مهم است. بله دادستان دیگر سخن کودتای سپاه هستش. در اینجا یک مقدمه‌ای را باید ذکر بکنیم و آن اصولاً بحث کودتای آریایی هستش بحث کودتای ایرانشهری هستش و اینکه بازیابی ایرانشهری چگونه توانست در طول دوازده سال گذشته که ما اصولاً مسئله سپاه پاسداران را مطرح کردیم آرام آرام جامعه را به این سو ببرد و فضای فکری جامعه را به این سو ببرد که بازگشت به سپاه پاسداران و مخاطب قرار دادن سپاه پاسداران باید رویکرد اصلی نیروهای ایرانشهری نیروهای آریایی باشد. به جز بحث خود فلسفه سیاسی ایرانشهر که ما بنیادش نهادیم و گسترش دادیم و تبدیل شد به یکی از بحث‌های دارایی هژمونی در داخل ایران و خارج از ایران، این مسئله بازگشت به سپاهیان و خشره‌ها نیز امری استراتژیک بود و یکی از دستاوردهای بزرگ بازیابی ایرانشهری هستش همانگونه که مسئله نشان دادن خیم و خوی اهریمنی جهان دموکراسی زمانی که ما آمدیم و گفتیم که کوروش بزرگ سراسر عمرش را با دموکراسی جنگید ولوله‌ای راه افتاد و کسانی آنچنان از خود به در شدند که اصولاً نمی‌توانستند جلوی خویشتن را بگیرند. کسانی که اهل ادب بودند، اهل قلم بودند و چیزهایی نوشتند و گفتند که اصولاً در شأن یک اهل قلم نیست دیگر چه برسد به پادوهایشان. این‌ها آرام آرام فضا را آماده کرد که یک مسئله دیگری که ما مطرح کردیم و امریست تاریخی نشان دهنده رابطه معنوی کلیت شاخه‌های اهریمنی ابراهیمیت هست از جهودیت بگیرد تا ترساگری از آن بگیرد تا اسلام سنی اسلام شیعی بگیرد بیاید تا بهائیت. اینی که امروز یک سری جوانانی می‌آیند و شروع می‌کنند به اندیشیدن و به این سادگی این‌ها را از آن خود می‌دانند، این امریست نخست اینکه بسیار بسیار مثبت، دوما نشان‌دهنده این

هستش که این اندیشه دیگر جا افتاده است ولی این را نباید فراموش کرد ۱۵ سال ۱۶ سال پیش حتی ۱۰ سال پیش اصلا فضا این گونه نبود و ما در یک تاریکی ایستاده بودیم و یک کبریتی را روشن کرده بودیم و این کبریت امروز شعله‌ور شده است. شعله‌های زیادی را به وجود آورده است. در آینده نورانی تر نیز خواهد شد. شعله فروزان تر خواهد شد و جوانانی که خواهند آمد و خواهند اندیشید، آن‌ها با اطمینان خاطر بیشتری، با آسودگی بیشتری با ادبیات گسترده‌ای روبرو خواهند بود، با فن بیانی روبرو خواهند بود که کوییده شده است، سوهان خورده است، آماده شده است و با وکابولار و فنواژگانی که دارای دیگر تاریخچه‌ای خواهند بود. بنابراین ما کارهایی را که انجام داده‌ایم به اصطلاح یک دوران فکری دگرگونه‌ای را در تاریخ اندیشه ایران شهر پدید آورده است که پیش از آن اصولا در این تراکم با این انسجام فنی و با این ژرفنای فلسفی اصولا وجود نداشته است. مسئله کودتای آریایی سپاه پاسداران نیز یک نمونه‌ای هست مشتی از نمونه خروار. چیزی را که می‌خواهیم بدان اشاره بکنیم مسئله پدید آمدن واقعیت یا گیتیک از دل مینوک هست. فلسفه ایران شهری بر این باور هستش که اهورامزدا نخست جهان مینوک را آفرید و از دل مینوک بود که گیتیک را فراز تراشید یا برون تراشید. به آن آفرینش به آن پدید آوردن مینوک جهان می‌گویند آفرینش یا آفرینش و به آن چیزی که مینو را تبدیل به گیتی می‌کند به آن مغان می‌گویند دهشن. پس میان آفرینش یا آفرینش و دهشن تفاوت است. آفرینش پدید آوردن و ساختن مینوئیک هست. دهشن پدید آوردن و ساختن گیتیک است اما از روی گرته یا الگوی مینوک. چیزی را که می‌خواهیم به آن اشاره بکنیم، پدید آمدن این کودتا به صورت عملی و تبدیل شدن به واقعیت اجتماعی هستش از دل یک دیسکورس. یعنی ما با تلاشی که کردیم در ۱۵ سال گذشته و اصولا سپاه پاسداران را آوردیم کردیم موضوع کردیم مسئله گفتگو با سپاه را و تغییر ماهیت دینی سپاه را کردیم مسئله تفکر و سپاه و ارتش را یگانه مخاطبان جدی سیاست فرهنگ و تمدن ایران شهر قرار دادیم و گفتیم که تمامی دیگر شاخه‌های اجتماعی تمامی این‌ها زائده‌های اهریمن هستند و تنها با سپاه هست که باید گفتگو کرد. این یک دری را گشود، فضایی را گشود که اصولا سپاه از بغل روحانیت و از بغل روشن فکری آرام آرام بیاید بیرون و آن استقلال شخصیتی خود را که پنهان شده بود و این‌ها می‌کوشیدند دائم پنهان نگه‌دارند این استقلال شخصیتی را، این تشخیص تاریخی را بازیابی بکند. مسئله کودتای آریایی را که ما حدود دو سال هستش که به این صراحت بدان پرداخته‌ایم تنها زمانی می‌توان درک کرد که آن بحث گسترده دوازده سیزده سال پیش از آن را دنبال کرده باشند. خب این فازی که ما کلید زدیم در زمانی بود که اصولا کاربرد واژه کودتا یک گناه کبیره بزرگ شمرده میشد. تمامی هژمونی سیاسی را چه در داخل و چه در خارج کرده بودند جامعه مدنی. کودتا می‌آید جامعه مدنی را در می‌نوردد. تمامی نوع مبارزه را کرده بودند نافرمانی مدنی یعنی بحث‌ها و دیسکورس‌های کاملاً جورج سورسی چه در داخل چه در خارج از زمان خاتمی این شروع شده بود این پسرک رضا پهلوی نیز از خارج این کارها را انجام می‌داد و دیگر فضایی نبود که اصولا نظامی‌گری چکمه رضا شاه و بازگشت به سنت چکمه بخواد مقبولیت اجتماعی پیدا بکند. ما با شکستن این تابو و استوار ایستادن بر روی این دیسکورس اصولا توانستیم فضایی را بوجود بیاوریم که درباره کودتا با لحن مثبت صحبت بشود. یعنی کنوتیشن یا مفهوم ضمنی مثبت را در ذهن تداعی بکند و یک امر منفی تلقی نشود. از دل این تلاش‌های دیسکورسیو از دل این تلاش‌های گفتمانی بود که اصولا توانستند نیروهای ما در داخل آن سه روز اهورایی آن قیام دیمه را پدید بیاورند و شعار تاریخی رضا شاه روح شاد از درون یک همچین دیسکورسی بود که تبدیل شد به یک واقعیت جامعه و خود را نشان داد. پس مسئله تفکر اگر بخواهیم یک نتیجه‌گیری میانی بکنیم، موقتی بکنیم، این هستش که تفکر می‌تواند واقعیت را تغییر بدهد و این تأییدی هستش بر فلسفه ایران شهری فلسفه کلی ایران شهری که از مینوک هست که گیتیک پدید می‌آید. ما

می‌گوییم هومت، هوخت، هورشت. منشن نیک، گوشن نیک، کنشن نیک. پس از منش به گوش و به کنش می‌توان رسید. کنش همان جهان گیتیک هست گویش جهانیت میان منش و کنش یعنی یک جهان میانی هستش که نه کاملاً گیتیک هستش و نه کاملاً مینوک هستش به مانیفستاتسیون میانی هستش یک پدید آمدگی میانی هستش میان جهان آفرینش و جهان دهنش. ما توانستیم با یک کوشش بزرگ و ژرف منشیک یا مینوئیک واقعیت بیرونی جامعه را تغییر بدهیم و این یکی از بزرگترین دستاوردهای ایرانشهریان هست که ارزش آن را شاید صد سال دیگر بتوان درک کرد و ابعادی را که یعنی موجی را که در دل تاریخ پدید آورده است و این موج پرتوهای هر روز بزرگتری را پدید خواهد آورد، درک این و فهمیدن این نیاز به زمان دارد. باید دور شد. باید فاصله گرفت. دارای بازه زمانی شد تا اصولاً بتوان این را درست و به گونه‌ای بهنجار درک کرد و فهمید. کودتای آریایی سپاه که امروز تبدیل شده است به یک مفهوم و از پسرک رضا پهلوی بگیرد تا در درون یک سری از اصول‌گرایان تا صدای آمریکای نامی‌دانم من و تو امروز دیگر تبدیل شده است به یک بحثی که همگان از آن پیروی می‌کنند و همگان این واژگان را از آن بهره‌برداری می‌کنند حال چه موافق چه مخالف اما دیگر کسی نمی‌تواند از کنار این امر رد شود. پس ما دارای یک موفقیت تاریخی بزرگ بوده‌ایم برای بوجود آوردن این بحث و آن را تبدیل به پیش‌زمینه واقعیت اجتماعی قرار دادن. خب وقتی این را در نظر بگیریم باید برویم بر سر این پرسش که کودتای آریایی کی؟ چگونه؟ دیگر صحبت سر آری و یا نه‌اش نیست. این کودتا هست. روایت ما این هست به عنوان فاعل و به عنوان عامل این بحث روایت ما این هستش که ما در این کودتا به سر می‌بریم. یک کودتای گام به گام هستش که در یکی از برنامه‌ها نیز بخش‌های گوناگون آن را یعنی فراگردشناسی کردیم، مرحله‌شناسی کردیم که در همان بحث سوم دی ماه، قیام سوم دی ماه نشان دادیم که دارای... یاران می‌توانند به آن برنامه بازگرد بکنند. نشان داده‌ایم این را. بنابراین بنابر روایت ما، خوانش و قرائت ما از واقعیت این هستش که ما در میانه این کودتای تاریخی به سر می‌بریم، کودتای آریایی کودتای ایرانشهری و این کودتا در حقیقت به معنای بازگرفتن اُتا هست. ما امروز اتایی که داریم این اتای اهریمن است این دولت دولت اهریمن است حال می‌خواهد یک اصولگرا بر مصدر قدرتش باشد یا یک اصلاح‌طلب. این اتا اتای برآمده از یک گسست تاریخیست اتای برآمده از فتنه مشترک فرح و خمینی است و تمامی دنباله‌های آنها در داخل و خارج این اتای کنونی اتای برآمده از گوادالوپ هست. در یک ارزیابی کلان تاریخی اتای برآمده از گسست قادسیه هست اتای برآمده از فتنه مشروطه هست پس ما این اتا را اصولاً برایش دادگی یعنی مشروعیتی قائل نیستیم پس باید این اتا را پس گرفت این کودتایی هستش علیه یا پذیره اتا و دولت اهریمن. این بسیار بسیار مهم است. پس کاری که سپاه دارد انجام می‌دهد بازپس گرفتن اتا و تأسیس اتا هستش ما تازه باید برویم به سمت تأسیس اتا تأسیس دولت. دولتی که استوار باشد بر مدار تیسپون یا معطوف باشد مسلماً از امروز به فردا ما نمی‌توانیم کل مدار تیسپون را تأسیس بکنیم بلکه همه چیز نیاز... این اشاست این منطق اشاست نیاز به زمان دارد. ماهیچه‌های زمان را باید چرب کرد تا این بتواند خود را بگسترده از حالت انقباضی که اهریمن و یهوه با انقلاب‌های گوناگون بر او وارد کرده‌اند از این انقباض بیرون بیاید یواش یواش آرام آرام برود به سمت انبساط ماهیچه‌های خود و چرب کردن ماهیچه‌های زمان ماهیچه‌های هستی کار اندیشمندان هست و لاغیر با این بازپس گرفتن اتا و معطوف کردن سیاست کلی دولت به سمت مدار تیسپون هستش که ما می‌توانیم این گذار تاریخی را با سلامت و با تندرستی پشت سر بگذاریم و این کار عملیاتیش کار میدانیش کار خشته‌ها است. خب اینی که این کار باید اتفاق بیفتد و دارد می‌فتد و این کار مرحله مرحله و گام به گام هستش این را توضیح دادیم. اما آن چیزی که در شرایط کنونی یعنی در روزهای کنونی تا ۲۰ روز، ۳۰ روز، ۴۰ روز آینده و رسیدن به آستانه بیست و دوم اردیبهشت ماه که روز اعلام این

هستش که آیا ترامپ خارج خواهد شد از برجام یا نه، این‌ها روزهای بسیار بسیار مهم و سرنوشت‌سازی هستند. کاری را که دشمن دارد می‌کند، دشمن یعنی خامنه‌ای، روحانی، دشمن یعنی تمامی این کسانی که بیرون از سپاه قرار دارند یا نفوذی‌هایشان درون سپاه و ارتش، این‌ها را ما همراه گرفته‌ایم، کاری که دشمن می‌خواهد بکند در حقیقت کودتای تاریخی و تمدنی سپاه را، کودتای ایرانشهری سپاه را علیه خود او به کار بردن. چگونه؟ شما وقتی یک رویدادی پیش از وقت بایسته و شایسته‌اش رخ بدهد، آن رویداد همراه می‌تواند زیان‌آور باشد برای کسی که می‌خواهد از آن نفعی ببرد. بنابراین ما باید کاملاً آگاه به این مسئله باشیم که کودتای آریایی سپاه باید این فرزندپرست که باید سر فرصت زاده شود. این باید با آرامش و با طمانینه مامایی شود این داستان. به هیچ وجه نباید بی‌گدار به آب زد. به هیچ وجه نباید شتاب کرد و این بازی‌های ارزی این فتنه ارزی را که این‌ها پدید آوردند این فشارهای رستاخیزی را که اعمال می‌کنند این جنگ تبلیغاتی و رسانه‌ای سترگی را که در در بوق و کورنا کردند از فیک نیوزشان بگیرد یا آن آمد نیوزشان بگیرد تا بی‌بی‌سی از بی‌بی‌سی بگیرد تا من و تو کسانی را که می‌آورند می‌نشانند آنجا و هجویاتی را که از خود برون می‌دهند تمامی این‌ها برای این هستش که یک امر گزیر ناپذیر تاریخی را که باید رخ بدهد و رخ خواهد داد این را دچار دیو شتاب و عجله کردن یعنی سپاهیان را و آریاییان درون سپاه ارتش را در شرایطی قرار دادن که آنها زودتر از روز موعود هراس بگیردشان و آن مرحله پایانی کودتا را جلو بکشند. این اتفاقی هست که هرگز نباید رخ بدهد و کاملاً باید خونسردی و طمانینه و آرامش را حفظ کرد. تمامی این دست و پا زدن‌ها، تمامی این جیغ‌هایی که این‌ها دارند می‌کشند، تمامی این‌ها اگر سپاه و ارتش، اگر برادران ما در اتاق‌های فکر آرامش خویش را نگه دارند، دو چندان به سود ما و چند چندان به زیان خود کسان تمام خواهد شد. بنابراین در برخی از بزرگه‌های تاریخی بزرگ‌ترین عمل عمل نکردن هستش. یعنی حرکتی نکردن. سپاه امروز فقط باید دشمن‌ها را از لحاظ نظامی رصد بکند. بخش بزرگی از این کودتای تاریخی را خود کسان علیه خود دارند انجام می‌دهند. خود خود را اسقاط می‌کنند. سپاه به هیچ وجه نباید در اینجا شتاب ورزد و وارد عملیات پایانی این امر مهم تاریخی شود. ما هنوز نیاز به زمان داریم. اینها آمدند و دلار را دارند می‌برند به سمت هفت هزار تومان و ما پیش‌بینی کردیم که تا ده هزار تومان این سقف را اینها بالا خواهند برد. بگذارید بکنند امروز سپاه نباید بیاید و جلوی این‌ها را بگیرد. این‌ها مدیران ارزی این‌ها مدیران اقتصادی جامعه هستند. خامنه‌ای دارای قدرت فائقه هستش در تمامی امور و مسئول اصلی او هستش و پس از روحانی و دولت گرین کارتیها و فراماسون‌های شیعه و بهایی. این‌ها بگذارید انجام بدهند. یاران ما بگذارند جان بولتون واق واق‌هایش را بکند. این‌ها رسمشان هستش جیغ و داد در آوردن و هیاهو کردن و کف از دهانشان برآمدن. اینها دموکرات هستند. دموکرات جماعت همین است. بگذارید اینها کارشان را انجام دهند. آن چیزی که بسیار مهم است اینکه سپاه و ارتش حواسشان جمع باشد به عملیات نظامی این‌ها که تا جای ممکن گیان اسپارانی که امروز رخ داد این مسائل تا جای ممکن کمتر رخ بدهد اما آنها نیز گزیر ناپذیر هستش و هر قطره خون آنها درخت تمدن ایرانشهری را آبیاری می‌کند و پیروزی ما را به جلو می‌اندازد. اما در عملیات داخل کشوری برای اسقاط دولت روحانی این احتیاج به زمان دارد. باید آن طبقه متوسط شهر... یک لحظه ما قطع شدیم آیا همه چیز سر جای خود هست؟ بله. آن طبقه متوسط شهری که آمده بود برای روحانی بیرون آنها باید بیایند بیرون با شمار بیشتر و فریاد بزنند که سپاه نژادبخش هستش ما را از دست روحانی و از دست خامنه‌ای نجات بدهید. این احتیاج به زمان دارد. ما باید شرایطی بوجود بیاد و اینها خودشان دارند این شرایط را بوجود می‌آورند که سپاه تبدیل بشود به بختار. سپاه تبدیل بشود به نژادبخش نه تنها نزد آریاییان که هست بلکه نزد شمار لایه‌های بیشتری از جامعه. و این روندی را که این‌ها دارند پیش می‌روند به صورت خود کار به صورت اتوماتیکمان به این سو هستش. اگر

امروز سپاه وارد فاز عملیاتی بشود مسلما این‌ها بسیار خوشنود خواهند شد. خود را شهیدان جامعه مدنی جا خواهند زد و این مسلما به زیان آریاییان هست و ما می‌دانیم که این اتفاق به این صورت نخواهد افتاد و کسان این دامی را که در برابر سپاه و ارتش گسترده‌اند خود در آن دام می‌روند. این پوست موزی هستش که در حقیقت زیر پای خودشان خواهند گذاشت. گذاشته‌اند و دارند سر می‌خورند و این بازی ارزی را که راه انداختند ادامه بدهند بکنند ده هزار تومان تا ببینیم که واکنش جامعه چه خواهد بود و گناهکار اصلی کیست. کاسه کوزه‌ها را نخواهیم گذاشت، پروانه نخواهیم داد که سر سپاه مقدس پاسداران و ارتش ایران زمین بشکافند. موضوع دیگری که در این بازی بزرگ دارای اهمیت هست مسئله نگه‌داشتن یا نگه نداشتن خامنه‌ای هست به عنوان ولی فقیه و نهاد ولایت فقیه. یک چیز را هرگز نباید فراموش کرد سپاه زمانی باید اداره عالی اجتماع را و اداره عالی دولت را در دست بگیرد که یگانه عمل‌کننده و یگانه فاعل کشوری باشد. اگر سپاه بخواند وارد بازی شود که در آن هنوز این مجلس فراماسونی حضور دارد و هر دو هفته یک بار بخوانند این وزیر را یا آن وزیر سپاهی را ارتشی را بیاورند درون مجلس و از این بازی‌ها دریاورند اصولا سپاه در این بازی نباید وارد شود. یعنی یک دولت سپاهی مردمی که استوار هستش بر اقتدار ایران شهری و استوار هستش بر همگرایی تمدنی یک همچنین دولتی باید بتواند عمل بکند و زمانی می‌تواند عمل بکند که سدهای گوناگونی که امروز وجود دارند دیگر وجود نداشته باشند. این چاه‌های ویلی که وجود دارند دیگر وجود نداشته باشند. اگر سپاه بخواند بیاید سکان اداره کشور را به دست بگیرد و این مافیای بازرگانی این اتاق‌های بازرگانی ایران و چین و ایران و روسیه و ایران و نمی‌دانم انگلیس هنوز در دست این آقازاده‌ها باشد، در دست روحانیت باشد و نمی‌دانم مجلس فراماسونی لاریجانی‌ها برقرار باشد این شوخیست. یعنی کاملا کودتای کاذبی خواهد بود و هرگز ما این را به عنوان یک دانه کودتای آریایی به رسمیت نمی‌شناسیم. نباید اجازه داد که یک فرد خودشان را به عنوان سپاهی بیاورند و در حقیقت برای زدن سپاه یک کودتای جعلی بکنند و بیشتر سپاه در آنجا زده بشود. یعنی یک کار کاملا نمایشی را انجام بدهند. خیر کودتا یعنی این مجلس باید فسخ بشود. این‌ها بخش بزرگشان باید بروند در هلفتونی بخش دیگر رعب و وحشت خواهند کرد و ماست‌ها را کیسه خواهند کرد. روحانیت دیگر دخل و تصرفی در امور عالی‌ه ایران زمین اصولا نباید داشته باشد و فراماسون‌ها باید پاسپورت‌هایشان را بگیرند و بروند. کار باید بیفتد در دست سپاهیان. تمامی کارها باید بیفتد در دست سپاهیان و ارتشیان و این‌ها خود مهندسین مشاورین خود را از میان ایرانیان واقعی از میان ایرانیان حقیقی انتخاب خواهند کرد. دیگر ما نیاز به یک مجلس الکن فراماسونی که کسانی درش می‌نشینند که اصولا رابطه‌ای با ایران و ایرانیت ندارند نیاز به یک همچنین بازی‌هایی نداریم. فضای کودتای آریایی فضای کودتای ایران شهری فضایی هستش که نیاز به ابزارهای کشوری خود را دارد. با این بازی‌های دموکراتیک اصولا نباید رفت پای چنین داستانی. با در نظر گرفتن این امر پرسش این هست که مسئله خامنه‌ای چگونه است؟ خامنه‌ای تنها زمانی یعنی نگه داشتن او تنها زمانی دارای منطق هست و می‌توان از آن به طور میان مدت دفاع کرد که خامنه‌ای خود دولت روحانی را اسقاط بکند و گرنه ادامه ولایت خامنه‌ای بی‌معناست. یعنی این به سود روحانیت می‌شود. به سود اصلاح‌طلبها می‌شود که سپاه را قرار بدهند در حقیقت تبدیلیش بکنند به ابزار دست خامنه‌ای و همان بازی شهیدسازی را انجام بدهند و سپاه را تبدیل بکنند به بازیچه دست اصول‌گرایان. خیر، سپاه دست اورمزد هست نه بازیچه اصول‌گراست و نه بازیچه اصلاح‌طلب. خامنه‌ای که جای خود دارد که دارد کاملا در زمین دشمن بازی می‌کند. پس زمانی می‌توان خامنه‌ای را به طور سوری نگه داشت و از او تا حدودی نگهداری کرد که خود بیاید و این اقدام را انجام بدهد و دولت کنونی فراماسونی روحانی را دولت غیرقانونی و غیرمشروع اعلام بکند و در حقیقت یک باری را از روی دوش سپاه پاسداران بردارد. اگر نخواهد این

کار را بکند که به احتمال بسیار زیاد نخواهد کرد کودتای آریایی سپاه باید هر دو سوی روحانیت و هر دو سوی جناها را با هم کنار بنهد. این اتفاقی هستش که باید رخ بدهد. اما کسانی که در میدان هستند و در داخل هستند خود در زمان مناسب تشخیص خواهند داد که کدام یک از این دو گزینه را برگزینند. اینها مسائل بسیار مهمی بودند که می‌بایست به آنها پردازیم. واپسین دادستان سخن ما مسئله دین زرتشت به عنوان دین رسمی هستش. اما پیش از اینکه به این مسئله پردازیم یک پرانتزی باز بکنیم که در برنامه‌های گذشته و در گفتارها و جستارهای گذشته بارها و بارها بدان اشاره کرده‌ایم و امروز زمینه‌اش هستش که بار دیگر به آن اشاره بکنیم و آن معطل گذاشتن قدرت نرم سپاه پاسداران هستش. این به چه معنیست؟ ما بارها گفته بودیم که سپاه باید بتواند از فرهنگ به عنوان یک ابزار گسترش نفوذ استراتژیک خود بهره‌برداری بکند. جنگ و نبرد فقط فشنگ نیست فقط موشک نیست بلکه فرهنگ نیز بخشی از نبرد هست و گفتیم برای مثال در سوریه یا در عراق باید بتوان از خواننده‌های ایرانی از هنرپیشه‌های ایرانی از نمایشگران ایرانی دست کم آنهایی که در خود ایران جواز و پروانه کار دارند حالا نیازی نیستش به کسانی که در بیرون هستند خیر همان‌هایی که در داخل هستند و دارند کار می‌کنند سپاه باید از اینها استفاده بکند. اینها رو ببرد در سوریه، ببرد در لبنان، ببرد در عراق، ببرد در موصل، اینور، آنور و اینها یاری بکنند به پیشبرد امر ایران‌شهری. ما نیاز به استفاده از قدرت نرم تمدنی خویش داریم. این امری هستش که باطل افتاده است. بارها و بارها گفته‌ایم سپاه باید از زیر چتر خبیث خامنه‌ای و این سیاست یا روسری یا توسری بیاید بیرون. و آزاد کردن زن ایران‌شهری از جور حجاب جهودی اسلامی را به عهده بگیرد. ما بارها گفته‌ایم در لبنان شیخ حسن نصرالله و حزب الله که زیر مدیریت سردار سلیمانی اسپهبد سلیمانی به سر می‌برند زنان لبنانی را ما می‌بینیم که بی‌حجاب زنان لبنانی را ما می‌بینیم که بسیار آزاده و گاهی با شکم باز می‌ایستند و پرچم حزب الله را می‌برند بالا و هیچ مشکلی وجود ندارد و آنها تمامی لایه‌های گوناگون اجتماعی لبنان احساس اینهمانی می‌کنند با حزب الله با این مقاومت مشرقی این هم باید در ایران نیز اتفاق بیفتد و از قضا خود این پدرسوخته‌ها زمان انتخابات که می‌شود خوب از این ابزار استفاده می‌کنند. آن ابراهیم رئیسی میاید و با این پسرک تتلو برنامه می‌گذارد کسان دیگر با یک سری لایه‌های دیگری اما گویا این کار برای سپاه غدقن شده است خیر این تابو را باید شکست و سپاه پاسداران باید از هنرمندان ایرانی استفاده بکند هم در داخل و هم در خارج بویژه در زمانی که مردی چون اردوغان با آن پیشینه فاسد که خود بخشی از صهیونیسم تاریخی هستش میاید و از کسانی چون آن ابراهیم نامی هستش ابرو می‌گویند یک کردتبار هم هستش و برده است در افرین با او برنامه گذاشته است برنامه هنری گذاشته است آن زن آزردا پیکار را که زمان شاه با آن امل ساین آمدند ایران او را برده است. خب وقتی دشمنان ما که یک دهم توانایی قدرت نرم ما را ندارند، دارند استفاده می‌کنند چرا سپاه پاسداران نباید از این قدرت نرم استفاده بکند. این مسئله بسیار مهم است. ما گفته‌ایم تکرار می‌کنیم پیروزی نهایی و پیروزی دراز مدت زمانی رخ می‌دهد که پس از پیروزی نظامی قدرت نرم وارد بشود. جوامع را نمی‌توان صرفاً با قدرت سخت نگه داشت و حفظ کرد. پیروزی‌ها را نیز نمی‌توان صرفاً با قدرت سخت حفظ کرد. نیاز به لایه‌های گوناگون هستش. مهاجرت دادن و بخشی از ایرانیان به عراق و سوریه به ویژه به سوریه و شهرک‌های ایرانی ساختن امری هستش که ما بارها بر آن تأکید کرده‌ایم بسیار بسیار مهم است. ما باید در آنجا شهرک‌های ایران‌شهری نشین پدید بیاوریم و کلاً حضور مردمی بیشتری آنجا داشته باشیم. آنها هم مردم ما هستند. اما این پیوندها، این اخوت‌ها، برادری و خواهری‌ها باید تجدید بشود و خون تازه‌ای وارد رگ‌های بال غربی ایران‌شهر بشود. این امر بسیار مهم است. پس فرهنگ و موسیقی خونیا و نمایش اینها را دست کم نباید گرفت. در همین راستا می‌رسیم به بخش پایانی گفتگویمان که مسئله مهم و اساسی دین مقدس زرتشتی هستش. ببینید ما امروز در داخل سپاه و ارتش با آریاییان

بزرگی روبرو هستیم. با آریاییان قوی روبرو هستیم که کارها را دارند بسیار خوب و نیک مدیریت می کنند و این ها دارای خواست های ویژه ای هستند. یکی از آن خواست ها که ما داریم در اینجا بیان می کنیم تبدیل کردن دین زرتشت در کنار شیعه به دین رسمی هستش. موضع گیری ما نسبت به دین اهریمنی یعنی ایدئولوژی اهریمنی شیعه به عنوان بازیابی ایران شهری کاملاً مشخص هست و نیاز به توصیفی بیشتر ندارد همه می دانند. اما آن چیزی که در عمل اجتماعی بدان امروز نیاز هست و این خواسته آریاییان درون هستش که از ما خواستند که این را بیان بکنیم و این کار را می کنیم این هستش که باید دین زرتشت در کنار شیعه برای مدتی شاید ۱۰ سال ۱۵ سال آن دیگر بستگی به روند کارها دارد باید تبدیل بشود به دین رسمی. دین زرتشت و آتش زرتشت کارکردهای نجات بخشنده دارد. آن موتور کاذب اسلام از کار افتاده است. آن موتور خاموش است. ما نیاز به این داریم که از لحاظ حقوقی نیز دین زرتشت که امروز در سراسر جامعه ایران شهر گسترده شده است و ما با یک بارها گفتیم با یک انقلاب فرهی روبرو هستیم، این باید بازتاب حقوقی نیز پیدا بکند و این دست مسلمانان و نیروهای آریایی را بازتر می کند که چه در داخل مرزهای کنونی ایران، ایران سیاسی چه در بخش شرقی آریانا در بخش قفقازیش نمی دانم گرجستان، ارمنستان، ازبکستان، تاجیکستان چه در بال های غربی عراق و سوریه و لبنان و چه در بخش آن سوی خلیج فارس در اینجا ما قدرت مانور بیشتری داشته باشیم. بسیاری از لایه های اجتماعی ایران شهر را ایران شهر جغرافیایی بزرگ را با شیعه نمی توان سیراب کرد، با شیعه نمی توان متقاعد کرد، بلکه بدتر آنجا دافعه بوجود می آورد. ما اگر این بال را قوی بکنیم، این بال را یعنی این پرتوی تمدنی را بار دیگر فعال بکنیم، بازیابی بکنیم و در داخل کشور تبدیل بشود به دین رسمی، لزومی نیست حالا امروز از همین امروز شیعه را فسخش کرد، ولی دین زرتشت را آورد، رسمیش کرد. مسلمانان امکانات عملیاتی ما هم در داخل و هم در خارج طور دیگری خواهد شد. بسیار قوی تر خواهیم شد و اصولاً دو موتور می رویم جلو. این را به طور ساده مانند پیکان دولوکس یک زمانی بود در زمان ما دو موتور می رویم جلو و این امریست بسیار مهم که دین زرتشت و زرتشتیان و آریاییان از زیر سیل از زیر تیغ صهیونیسم شیعی نیز بیایند بیرون. وقتی این پس از این کودتای آریایی تبدیل به دین رسمی بشود و سپاهیان و ارتشیان می توانند بگویند که این دین تاریخی ایرانیان هستش و نیازی ندارد که دین رسمی نباشد می تواند دین دوم رسمی باشد و گرایش به آن عمل به آن آتش روشن کردن آتش زرتشت و اموری از این دست جزو قوانین کشور هستش و کسی نمی تواند جلوی ایشان را بگیرد، این فضایی را باز می کند که آن عده ای که هنوز در داخل شیعه احساس آرامش کاذبی دارند آنها باشند و این تضاد بوجود نیاید در داخل کشور یعنی ما وارد یک جنگ شیعه زرتشتی نشویم که کلاً به زیان ما هستش و این گذار از ابراهیمیت به زرتشتی گری از ابراهیمیت به آریایی گری با آرامش بیشتری رخ دهد و از این نیروی بزرگ آریایی زرتشتی که امروز باطل مانده است به خاطر غیرقانونی بودنش از این بتوانیم استفاده بهینه بکنیم برای ژرف تر کردن هر چه بیشتر نفوذ و رخنه تمدنی ما این امریست بسیار مهم. تمامی ایران شهریان در هر کجا هستند در هر رسانه ای که هستند چه در داخل و چه در خارج همه در این کورنا بدمند همه از این مسئله پشتیبانی بکنند این را تبدیلس بکنند به یک خواسته همگانی. فرای اینکه یک خواسته مشروع تاریخی هستش فرای اینکه امری هستش که اتفاق خواهد افتاد اما هر چه زودتر این در درون جنبه قانونی بگیرد و جنبه رسمی بگیرد و مانند همین دیسکورس کودتای آریایی که مطرح کردیم تبدیل به یک دیسکورس همگانی بشود هم آرامش درون کشوری ما را بزرگتر می کند هم فضا را وسیع تر می کند انبساط بیشتری را بوجود می آورد برای مانور دادن و هم مسلمانان در بیرون از مرزهای سیاسی کنونی دست ما را باز می گذارد برای بازی های بزرگی که در پیش است. این ها را

گفتیم و بی شک ناگفته بسیار بر جا گذاشته ایم. لیک زمان و صدای ما نیز به پایان رسیده است. شما را به اهورامزداى بزرگ
می سپارم. اشم وهو. تا باری دیگر خدانگهدار.